

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 11, Winter 2021-2022, 1-19
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.32853.1972

A Critique on the Book **"Key Concepts in Eastern Philosophy"**

Hasan Ahmadizade*

Abstract

Today many of orientalist think that philosophy in the eastern cultures has authenticity and the eastern concepts in philosophy and humanities are rooted in this culture. This attitude led them to investigate critically the eastern concepts in philosophy. They also tried to compare them to western philosophical concepts. Oliver Leaman is of the most famous western thinkers that has published different books on eastern philosophy, especially Islamic philosophy. In this article, we will try to investigate critically on one of his books titled "*Key Concepts in Eastern Philosophy*". Leaman in this book gathered different concepts in the eastern philosophies like Buddhism, Hinduism, Confucius, and Islamic philosophy, and explains these concepts according to the eastern texts. One of the most important privileges of this book is that Leaman tries to explain eastern philosophical concepts in their cultural context, but he did not explain some key concepts in the eastern philosophies nor did he explain them shortly.

Keywords: Eastern Philosophy, Methodology, Islamic Philosophy, Hinduism, Buddhism.

* Assistance Professor of Comparative Philosophy, University of Kashan, Kashan, Iran,
ahmadizade@kashanu.ac.ir

Date received: 24/09/2021, Date of acceptance: 29/12/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد و بررسی کتاب *Key Concepts in Eastern Philosophy* (مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی)

حسن احمدی‌زاده*

چکیده

امروزه بسیاری از مستشرقان، برای فلسفه در فرهنگ‌های شرقی، اصالت قائل اند و بسیاری از مفاهیم کلیدی در این فرهنگ‌ها را برخاسته از متن تمدن‌های شرقی می‌دانند. این باور، باعث شده تا مستشرقان به بررسی مفاهیم مطرح در فلسفه‌های شرقی همت گمارده و برخی از آنها را با مفاهیم مطرح در فلسفه‌های غربی، تطبیق نمایند. الیور لیمن، از جمله اندیش‌مندان غربی است که در دو دهه‌ی اخیر، آثاری ارزشمند در خصوص فلسفه‌های شرقی بویژه فلسفه‌ی اسلامی نگاشته است. در جستار حاضر، بر آنیم تا به نقد و بررسی یکی از مهم‌ترین این آثار با عنوان "مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی" بپردازیم. لیمن در این اثر، با گردآوری مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی چون هندوئیسم، بودیسم، آئین کنفوسیوس و فلسفه‌ی اسلامی، توضیحاتی مختصر برای هر اصطلاح بیان نموده است. از مهم‌ترین محاسن اثر لیمن، آن است که وی سعی داشته تا این مفاهیم را در ساختار تمدنی خود فلسفه‌های شرقی تبیین کند. اما او برخی از مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی به‌ویژه فلسفه‌ی اسلامی را مطرح نکرده و یا توضیح‌چندان روشنی درباره‌ی آنها ارائه نکرده است. هم‌چنین توضیحات برخی مدخل‌ها در این اثر، کافی نیست و حتی لیمن از بیان برخی اصطلاحات کلیدی در فلسفه‌های شرقی، غفلت ورزیده است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه شرقی، روش‌شناسی، فلسفه اسلامی، هندوئیسم، بودیسم.

* استادیار فلسفه تطبیقی، عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، ahmadizade@kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

۱.۱ فلسفه شرقی از نگاه مستشرقان

اصطلاح فلسفه‌ی شرقی (Eastern Philosophy) به مجموعه‌ای از اندیشه‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ای اشاره دارد که در تمدن‌های شرقی، از هند و چین و ژاپن گرفته تا جهان اسلام، نضج یافته است. تقسیم‌بندی این مجموعه از اندیشه‌ها و تمایز آن‌ها از فلسفه‌های غربی، صرفاً بر اساس حد و مرزهای جغرافیایی صورت نگرفته بلکه تفاوت‌های مفهومی و هرمنوتیکی نیز در این تقسیم‌بندی و تمایز، مؤثر بوده‌اند. برخی از اندیشمندان بزرگ غرب، چون مارتین هایدگر، بر این باور بوده‌اند که تنها زبان‌های آلمانی و یونانی برای فلسفه‌ورزیدن مناسب‌اند (Sheehan, 2010, 193). از این رو، برای تفکر فلسفی در تمدن‌های شرقی بویژه در عالم اسلام که ارتباط زیادی با تمدن و فلسفه‌ی یونانی داشته، اصالتی قائل نیستند. این نگرش به تمدن‌های شرقی، باعث شده که در دانشگاه‌های غربی، یا اساساً فلسفه‌های شرقی تدریس نشود و یا صرفاً به آن دسته از تفکرات شرقی توجه شود که متأثر از فلسفه‌های غربی بوده‌اند.

با رجوع به پژوهش‌های محققان غربی، افراد مختلفی را ملاحظه می‌کنیم که در مورد فلسفه‌های شرقی بویژه فلسفه و تمدن اسلامی، قلم زده‌اند. به عنوان نمونه، کورتز از محققانی است که پژوهش‌هایی در خصوص فلسفه‌ی چینی به انجام رسانده اما آن را فاقد اصالت فلسفی تلقی می‌کند (Kurtz, 2011, 29)، در حالی که رین *راود* بر خلاف نظر وی، استدلال می‌کند که با رویکردی انعطاف‌پذیرتر می‌توان تعریفی از فلسفه ارائه نمود که براساس آن، تمدن‌های شرقی را نیز از اصالت تفکر فلسفی برخوردار دانست (Rein, 2006, 618). همچنین برخی از این اندیشمندان در مواجهه با سنت‌های فلسفی در شرق، با نگاهی منصفانه و به دور از پیش‌فرض‌های فرهنگی و سیاسی خاصی، تلاش کرده‌اند تا تفکر و فلسفه‌ی شرقی را در سیاق فرهنگی و تاریخی خود فهم و تحلیل کنند (Holder, 2006, 38). رویکرد مستشرقین به تفکر و فلسفه‌ی شرقی را از جهات مختلفی می‌توان بررسی نمود. این امر، بویژه برای پژوهش‌های تطبیقی در فلسفه و الهیات نیز حائز اهمیت است چرا که نوع نگاه و روشی که پژوهشگر در مواجهه با سنت‌های فلسفی مختلف اتخاذ می‌کند بدون تردید، نتایج متفاوتی می‌تواند در پی داشته باشد (Burik, 2009, 45). از جمله محققان

غربی که با رویکردی مثبت و خوشبینانه، پژوهش‌هایی ارزشمند درباره‌ی فلسفه‌های شرقی به انجام رسانده است، الیور لیمن می باشد.

در این جستار بر آنیم تا به نقد و بررسی یکی از آثار برجسته‌ی وی پردازیم که در سال ۱۹۹۹ توسط انتشارات راتلیج منتشر گردید. این اثر ارزشمند با عنوان *مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی شرقی* (*Key Concepts in Eastern Philosophy*) در ۲۲۵ صفحه منتشر شده و حاوی مهم‌ترین اصطلاحات رایج در فلسفه‌های چینی، ژاپنی، کره‌ای، اسلامی و دیگر سنت‌های برجسته‌ی فلسفی در شرق می باشد.^۲ الیور لیمن این اثر را با این پیش فرض به انجام رسانده که در شرق، بدون تردید، سنت‌هایی بوده و هستند که به معنای واقعی کلمه، از مبانی، روش و مسائل فلسفی خاصی برخوردار می باشند. از جمله‌ی این سنت‌ها، به زعم وی، سنت فلسفی اسلامی و زرتشتی است که بخش زیادی از آن در خود ایران نضج یافته و بعدها به دیگر سنت‌های شرقی نیز راه یافته است (Leaman, 1999, IX). در ادامه‌ی این جستار، تلاش خواهیم نمود تا هم به برخی محاسن ساختاری و محتوایی این کتاب اشاره کنیم و هم به برخی از کاستی‌های صوری و محتوایی آن. البته نقد و بررسی محتوایی این اثر، گروهی از پژوهشگرانی را می طلبد که در هر یک از فلسفه‌های شرقی‌ای که در این کتاب، از آنها یاد شده، تخصص کافی داشته باشند تا بتوانیم نگاه دقیق‌تری به این کتاب و محتوای آن داشته باشیم. از این رو، در این جستار، بیش‌تر به مباحث و مفاهیم کلیدی‌ای توجه خواهیم نمود که الیور لیمن آنها را به فلسفه‌ی اسلامی نسبت داده و توضیح مختصری درباره‌ی آنها بیان نموده است.

۲.۱ برخی پژوهش‌های مشابه در غرب

علاوه بر مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی شرقی، پژوهش‌های دیگری نیز توسط محققان غربی در خصوص فلسفه‌ها و مکاتب فکری تمدن‌های شرقی صورت گرفته که برخی از مهم‌ترین آنها، به زعم نگارنده، از این قرار می باشند:

- "رویکردهای غربی به فلسفه شرقی"، نوشته تروی ویلسون، در سال ۱۹۷۵ میلادی:

Troy Wilson Organ, 1975, *Western approaches to eastern philosophy*, Athens : Ohio University Press.

- "فلسفه‌ی شرقی: راهنمایی غربی برای تفکر شرقی"، که در سال ۱۹۷۹ توسط انتشارات دانشگاه ویسکانسین آمریکا منتشر گردید:

Hascett, Stuart Cornelus, 1979, *Oriental philosophy : a westerner's guide to Eastern thought*, Madison, University of Wisconsin Press.

- "دایره‌المعارف فلسفه و دین شرقی"، نوشته‌ی مایلیک کوهن و استفان شوماخر، که در سال ۱۹۹۴ انتشار یافته است:

Kohn, Michael H & Schuhmacher, Stephan, 1994, *The encyclopedia of eastern philosophy and religion: Buddhism, Hinduism, Taoism, Zen*, Boston, Mass. Shambhala.

- "فلسفه شرقی" به قلم مل تامپسون که در سال ۱۹۹۹ از سوی انتشارات Teach Yourself به چاپ رسید:

Thompson, Mel, 1999, *Eastern Philosophy*, Teach Yourself.

- "واژه‌نامه‌ی مختصر ادیان جهان" که در سال ۲۰۰۰ میلادی توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر گردید:

Bowker, John (2000), *The Concise Oxford Dictionary of World Religions*, Oxford University Press.

- "فلسفه‌ی شرقی: مسائل اساسی". این اثر توسط انتشارات راتلج و به قلم هاریسون در سال ۲۰۱۳ منتشر گردید:

Harrison, Victoria. S, 2013, *Eastern Philosophy: The Basics*, Routledge.

علاوه بر این آثار، پژوهش‌های دیگری نیز با عناوینی مشابه، به فلسفه‌ها و تمدن‌های بزرگ شرقی و تحلیل اصطلاحات و معرفی متفکران آنها اختصاص یافته است. اما نکته‌ای که باید بدان توجه نمود، این است که در اکثر این پژوهش‌ها، چندان توجهی به فلسفه و اندیشمندانی که در تمدن اسلامی ظهور و بروز یافته‌اند نشده است، چنانکه به عنوان نمونه، هاریسون در کتاب‌اش صرفاً فلسفه‌های هند و چین را معرفی کرده و نامی از فلسفه اسلامی نمی‌برد. این در حالی است که الیور لیمن در *مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی شرقی*، برای فلسفه‌ی اسلامی و تفکر ایران باستان، جایگاه خاصی در فلسفه‌های شرقی قائل است و آن را دارای تاریخ و مباحث خاص خود می‌داند، هر چند فلسفه‌ی اسلامی را وام‌دار فلسفه یونان نیز می‌داند. از این رو، لیمن، اثری جامع‌تر و منصفانه‌تر از دیگر آثار در این زمینه، منتشر نموده است.

۲. معرفی اجمالی نویسنده اثر، الیور لیمن

الیور لیمن (متولد ۱۹۵۰م) استاد مطالعات فلسفی در دانشگاه کنتاکی آمریکاست و پژوهش‌های متعددی در خصوص فلسفه‌های شرقی بویژه فلسفه‌ی اسلامی و یهودی داشته است. وی در سال ۱۹۷۹ از دانشگاه کمبریج درجه‌ی دکترای خود را دریافت نمود و از سال ۲۰۰۰م در دانشگاه کنتاکی مشغول تدریس و پژوهش در حوزه‌های مختلف فلسفه و دین می‌باشد. پژوهش‌های الیور لیمن در خصوص فلسفه‌ی اسلامی و یهودی، به زبان‌های مختلفی ترجمه و منتشر شده است که از این میان، برای پژوهش‌گران فلسفه در ایران، شناخته‌شده‌ترین آنها کتاب تاریخ فلسفه‌ی اسلامی است که در دو جلد و با همکاری سید حسین نصر، توسط انتشارات راتلج در سال ۱۹۹۹م به چاپ رسیده است.^۳ در این کتاب، لیمن بر این باور است که فلسفه‌ی اسلامی علی‌رغم تأثیراتی که از فلسفه‌ی یونان پذیرفته اما هم مسائل جدید در متافیزیک مطرح نموده و هم تقریرهای جدیدی برای برخی از مسائل فلسفی یونان ارائه نموده است (Leaman & Nasr, 1996, 8). از دیگر آثار ارزشمند الیور لیمن که غالباً توسط انتشارات راتلج منتشر شده است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

زیبایی‌شناسی اسلامی (۲۰۰۴)، شر و رنج در فلسفه‌ی یهودی (۲۰۰۳)، اندیشه‌ی یهودی (۲۰۰۶)، درآمدی بر فلسفه‌ی اسلامی در قرون وسطی (۱۹۸۵)، تاریخ فلسفه‌ی یهودی (۱۹۹۶)، آینده‌ی فلسفه: به سوی قرن بیست و یکم (۱۹۹۸)، درآمدی مختصر به فلسفه‌ی اسلامی (۱۹۹۹)، دایره‌المعارف فلسفه‌ی آسیایی (۲۰۰۱)، دایره‌المعارف قرآن (۲۰۰۶).

۳. ارزیابی صوری و ساختاری اثر

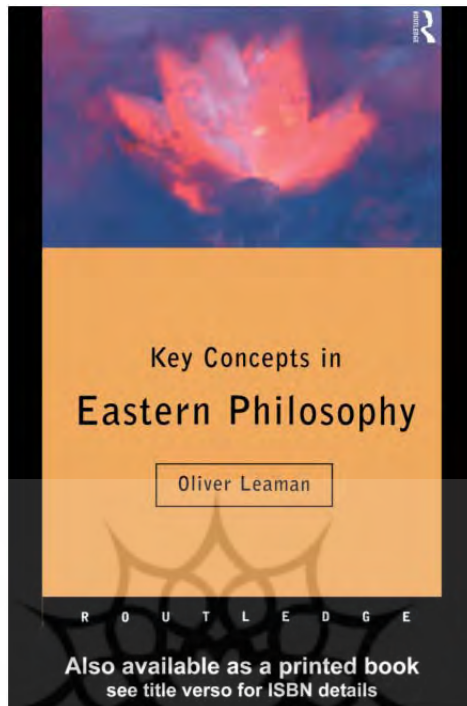
کتاب "مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی شرقی" نخستین بار در سال ۱۹۹۹ میلادی و سپس مجدداً در سال ۲۰۰۵ توسط انتشارات راتلج منتشر گردید. انتشارات راتلج، از ناشران نام‌دار در انگلستان است که بیش از یک قرن، سابقه‌ی چاپ و نشر کتاب در حوزه‌ی علوم انسانی، دین و الهیات دارد. از این انتشارات معتبر، آثار مختلفی به صورت دایره‌المعارف نیز به چاپ رسیده که از جمله‌ی آنها می‌توان به *دایره‌المعارف فلسفه* (۱۹۹۸) در ده جلد و *دایره‌المعارف اخلاق* (۲۰۰۲) در سه جلد، اشاره نمود.

انتشارات راتلج، آثار مختلفی از لیور لیمن را نیز منتشر کرده که در بخش قبلی به عناوین برخی از آنها اشاره شد. از جمله‌ی این آثار، مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی می‌باشد. پیش از فهرست مطالب، این کتاب به‌نوعی به نورمن کالدر (Norman Calder) تقدیم شده است. او نیز مانند لیمن، از پژوهش‌گران مشهور غربی است که آثار مختلفی در خصوص اسلام‌شناسی بویژه فقه و حقوق اسلامی منتشر نموده است.

ساختار کتاب لیمن با مقدمه‌ای آغاز می‌شود که به توضیحاتی کلی درباره‌ی فلسفه‌های شرقی و برخی اندیشمندانی اختصاص یافته که در این کتاب از آنها سخن به میان می‌آید. پس از آن، لیمن در یادداشت کوتاهی متذکر می‌شود که در توضیح اصطلاحاتی که در این کتاب بیان نموده، این اصطلاحات را به گونه‌ای بازگو کرده که برای خواننده‌ی انگلیسی‌زبان قابل تلفظ باشد و از این رو ممکن است با تلفظ دقیق آنها در فرهنگ‌های آسیایی چندان هماهنگ نباشد. همچنین برخی از اصطلاحات به صورت پرننگ (بلد) نشان داده شده‌اند و برخی دیگر علی‌رغم اینکه اصطلاحات خاص فلسفه‌های شرقی هستند ولی به صورت پرننگ نشان داده نشده‌اند. دلیل این امر، وضوح و رواج این دسته‌ی دوم از اصطلاحات شرقی در متون غربی می‌باشد.

در بخش بعدی، لیمن، فهرستی از نام‌دارترین اندیشمندان و فیلسوفان شرقی را ذکر می‌کند و پس از آن، فهرست اصطلاحات و مفاهیمی را بیان می‌کند که قرار است در کتابش به توضیح مختصری درباره‌ی آنها پردازد. البته در پایان کتاب نیز، پس از فهرست منابع، اسامی اندیشمندان و اصطلاحاتی که از آنها سخن گفته، آمده است.

در خصوص طرح جلد کتاب، چنانکه تصویر آن را در این بخش ملاحظه می‌کنید، بهتر بود که از تصویری مرتبط با فلسفه و تمدن شرقی استفاده می‌شد نه تصویر ساده‌ای که به نظر نمی‌رسد در ذهن خواننده و بیننده‌ی این کتاب، تصویری از فلسفه‌های شرقی را تداعی نماید. در برخی از آثار مشابهی که پیش از این بدان‌ها اشاره نمودیم، این کاستی در طرح جلد مشاهده نمی‌شود. در واقع، بهتر بود طرح جلد این کتاب، ترکیبی از تصاویر مربوط به آئین‌ها یا افسانه‌ها و یا نام‌دارترین فیلسوفان شرقی می‌بود.



یکی از موارد مهمی که در آثاری از این دست، نویسنده و ناشر باید دقت لازم را داشته باشند، حروف چینی و ویراستاری می باشد چرا که برخی از اصطلاحات فلسفه ها و ادیان شرقی را نمی توان به انگلیسی ترجمه نمود و لذا باید با همان خوانش بومی خود نوشته شوند. اما هر چند نهایت دقت در ویرایش و صفحه آرایی این اثر صورت گرفته، با وجود این، در مواردی، اغلاط تایپی هم ملاحظه می شود مانند واژه *falasifa* در صفحه ۱۲۹ که به صورت *jalasifa* تایپ شده است. همچنین در چند مورد، واژه *that* به صورت *fhat* تایپ شده است.

۴. ارزیابی محتوایی اثر

۱.۴ اثری دایره المعارف گونه

کتاب مفاهیم کلیدی در فلسفه شرقی، اثری است که به صورت دایره المعارف منتشر شده است و طبیعی است که برای نوشتن آثاری از این دست، نویسنده یا نویسندگان ساختار خاصی را دنبال می کنند که متفاوت است از ساختار آثاری که درباره ی موضوع یا

اندیشمند خاصی منتشر می‌شوند. اساساً دانشنامه یا دائرةالمعارف، مجموعه‌ی نوشتاری جامع و فشرده‌ای است که شامل اطلاعاتی درباره‌ی همه‌ی شاخه‌های دانش یا شاخه‌ی مشخصی از دانش است (Ann, 2006, 130). الیور لیمن در مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی شرقی، به روشی که در نوشتن دائرةالمعارف‌ها مرسوم است، مهمترین اصطلاحات فلسفه‌های شرقی را به اختصار توضیح داده است و البته محقق‌ی می‌تواند چنین پژوهشی را به‌انجام برساند که اولاً از دانش و آگاهی کافی نسبت به مباحث و موضوعات کلیدی در فلسفه‌های شرقی برخوردار باشد و ثانیاً مهارت خوبی در توضیح مفاهیم کلیدی داشته باشد به‌گونه‌ای که خواننده با مطالعه‌ی مفهوم یا اصطلاح مورد نظرش، تصویری روشن از آن به‌دست آورد (Peimin, 2006, 21). علاوه بر این، لازم است که پژوهشگر به درستی تشخیص دهد که کدام اصطلاحات و مفاهیم، کلیدی‌تر اند و از اهمیت بیشتری نسبت به سایر مفاهیم برخوردار هستند و در نتیجه بتواند دایره‌ی شمول مفاهیم و اصطلاحات کلیدی را به خوبی ترسیم کند (Ayatollahi, 2008, 92). اهمیت این امر برای کتاب الیور لیمن از این جهت است که وی در این اثر، مفاهیم کلیدی فلسفه‌های گوناگون شرقی را توضیح می‌دهد و از این رو باید مهارت خوبی در برقراری تعادل میان اصطلاحات کلیدی در فلسفه‌های شرقی داشته باشد، بدین معنی که ساختاری را برای اثرش برگزیند که در آن، مفاهیم کلیدی فلسفه‌های گوناگون، بدون جانب‌داری از فلسفه یا اندیشمند خاصی، به وضوح تبیین شوند. الیور لیمن در نوشتن مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی شرقی، از این سه ویژگی برخوردار بوده و از این رو توانسته اثری ارزشمند در ارتباط با فلسفه‌های شرقی را به‌رشته‌ی تحریر درآورد.

به طور کلی، در اثری که به صورت دایره‌المعارف منتشر می‌شود، گذشته از داشتن مؤلف یا مؤلفانی خبره، باید به چهار مؤلفه در آن توجه نمود: موضوع آن، قلمرو و گستره‌ی موضوع آن، روش سازمان‌دهی مدخل‌ها و هدف از انتشار (Langer, 1968, 36). در کتاب الیور لیمن، هر یک از این چهار مؤلفه به خوبی ملاحظه می‌شود: موضوع و گستره‌ی آن مشخص است، هر چند چنانکه در ادامه اشاره خواهیم نمود، از بیان برخی مدخل‌ها و اصطلاحات کلیدی در فلسفه‌های شرقی غفلت نموده است. علاوه بر این، روش سازمان‌دهی مدخل‌ها به نوعی ترکیبی از هر دو روش مذکور می‌باشد چرا که هم باتوجه‌به ترتیب الفبایی بیان شده‌اند و هم تلاش نموده تا مهمترین اصطلاحات توضیح داده شوند.

هم‌چنین هدف از انتشار این اثر بیشتر، اطلاع‌رسانی علمی برای خوانندگان انگلیسی‌زبان است تا منافع تجاری و منفعت‌طلبانه. از این رو، این اثر را می‌توان دایره‌المعارفی دانست که نسبت به سایر آثار مشابه، ارزش ارجاعی بیش‌تری دارد.

۲.۴ ارزیابی محتوایی مقدمه اثر

این اثر با مقدمه‌ای از لیمن آغاز می‌شود که وی در آن دلیل مطرح کردن برخی مفاهیم و نیز مطرح نکردن مفاهیم دیگر را بیان می‌کند. به عنوان نمونه، هر چند فلسفه‌ی اسلامی را تحت عنوان کلی فلسفه‌ی شرقی مطرح می‌کند اما بر این باور است که تفکر فلسفی اسلام، ارتباط زیادی با تفکر فلسفی در غرب دارد و از این رو برخی مفاهیمی که به نوعی مشترک میان فلسفه‌ی اسلامی و فلسفه‌ی غرب است، در این اثر مطرح نمی‌شوند. به زعم الیور لیمن، فلسفه‌ی اسلامی از یک سو ریشه در آراء ارسطو و دیگر متفکران یونان باستان دارد و از سوی دیگر متأثر از برخی فیلسوفان قرون وسطی در اروپا می‌باشد و از این رو به نظر می‌رسد از اصالت فلسفی چندانی برخوردار نباشد (Leaman, 1999, X). از سوی دیگر، لیمن بر این باور است که فلسفه‌ی اسلامی در طول تاریخ نضج و گسترش خود، متأثر از فلسفه‌ها و اندیشه‌های شرقی بویژه فلسفه‌های هندی نیز بوده است و از این جهت، به درستی می‌توان آن را تحت عنوان کلی فلسفه‌های شرقی قلمداد نمود (Ibid). اما لیمن در مقدمه‌ی اثرش به ارتباط میان فلسفه و دین در سنت اسلامی و تأثیر این ارتباط در شکل‌گیری و رشد فلسفه‌ی اسلامی توجه چندانی نمی‌کند، در حالی که تأکید بر وجود چنین ارتباطی، می‌تواند مفاهیم و اصطلاحات دیگری را نیز به عنوان مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی اسلامی، در اثری که لیمن نگاشته مطرح کند.

مستشرقانی که به پژوهش در خصوص فلسفه‌های شرقی روی می‌آورند، بدون تردید، به تفاوت‌ها و شباهت‌های میان مباحث این فلسفه‌ها با فلسفه‌های غربی نیز توجه دارند و این امر، در نوع ساختار و روشی که آنها در پژوهش‌هایی از این دست اتخاذ می‌کنند تأثیرگذار می‌باشد (Quain, 1960, 32). الیور لیمن با تأکید بر این امر، بر این باور است که در بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها لازم است که به منطق و زبان نهفته در پس مباحث مطرح در فلسفه‌های شرقی توجه شود. در این صورت خواهیم توانست مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی را با زبان خود فلسفه‌های شرقی و نه با اصطلاحات و زبان فلسفی فلسفه‌های غربی

توضیح دهیم (Leaman, 1999, ix). لیمن برگرفتن چنین روش و ساختاری را برای پژوهش‌های تطبیقی در فلسفه، ضروری می‌داند.

لیمن تأکید می‌کند که پیش‌فرض وی در نوشتن مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی شرقی، این نیست که فلسفه‌ی شرق و فلسفه‌ی غرب دارای رویکرد و مبانی یکسانی در مباحث فلسفی هستند چرا که میان این دو تفاوت‌های بنیادی زیادی به لحاظ فرهنگی، تاریخی، زبانی و دینی وجود دارد. اما هر چند الیور لیمن در تبیین مختصری که از مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی غیر اسلامی ارائه می‌کند سعی کرده تا این مفاهیم را در بستر فرهنگی و دینی خاص خود توضیح دهد اما به نظر می‌رسد در توضیح مفاهیم کلیدی در فلسفه اسلامی، به این بستر، بویژه زمینه‌های دینی مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی اسلامی چندان توجه جدی نداشته است.

۳.۴ منابع بیش‌تر برای مطالعه مدخل‌ها

یکی از موارد روش‌شناسانه در کتاب الیور لیمن، کیفیت منابعی است که وی در انتهای توضیحات هر مدخل ذکر می‌کند. این از محاسن اثر اوست که پس از توضیح هر اصطلاح، منبعی را برای مطالعه‌ی بیشتر معرفی می‌کند اما بیشتر این منابع، از پژوهش‌های قرن بیستم هستند و بهتر بود که در کنار آنها منابعی دست اول هم برای مطالعه‌ی بیشتر ذکر می‌گردید، یعنی آثار خود فیلسوفان و اندیشمندان شرقی که بنیان‌گزار مکتب یا نحله‌ی فلسفی خاصی در تمدن‌های شرقی بوده‌اند. به عنوان نمونه، در انتهای برخی مدخل‌هایی که در آنها به فلسفه‌ی اسلامی اشاره شده، به آثار سپید حسین نصر اشاره شده اما هیچ ارجاعی به آثار فیلسوفان مسلمان، برای مطالعه‌ی بیشتر، نشده است.

الیور لیمن در مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی شرقی، از اندیشمندان بزرگی که در فلسفه‌های شرقی صاحب مکتب فکری خاصی بوده‌اند نام می‌برد و فهرستی از ایشان را پیش از وارد شدن به توضیح مفاهیم کلیدی، ارائه می‌نماید. این امر را می‌توان از محاسن این اثر به‌شمار آورد چرا که خواننده‌ی انگلیسی‌زبان می‌تواند با رجوع به این فهرست، مطالب مربوط به متفکر مورد نظرش در این اثر را سریع‌تر بیابد.

اما بهتر بود فهرست متفکرانی که در این کتاب مطرح شده‌اند، بگونه‌ای همراه با مکتب یا فلسفه‌ی آنها ارائه می‌شد. به بیان دیگر، مؤلف می‌توانست این فهرست را به تفکیک

مکاتب فلسفی شرقی بیان می‌نمود. علاوه بر این، مؤلف اشاره‌ای نمی‌کند که چرا از میان متفکران مختلف شرقی، تنها نام برخی از آنها را ذکر کرده است. ممکن است حجم کتاب و مقصودی که نویسنده از نوشتن آن دنبال می‌کرده، مانع از آن می‌شده که وی فصلی جداگانه درباره‌ی نام‌دارترین متفکران فلسفه در شرق و آثارشان ارائه کند. به هر روی، نوشتن اثری در خصوص مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی، می‌تواند به صورتی به مراتب گسترده‌تر و در چندین مجلد انجام شود و البته از صاحب‌نظران و اندیشمندان خود فلسفه‌های شرقی نیز بهره یابد.

۴.۴ ارزیابی محتوایی برخی از مدخل‌ها

به طور کلی الیور لیمن در بیان مفاهیم و اصطلاحاتی که در این اثر ارائه نموده است، از آگاهی و مهارت کافی برخوردار بوده و توضیحاتش در بسیاری از مدخل‌ها وافی به مقصود می‌باشد. وی تلاش کرده تا از هر مدخل، مفاهیم کلیدی را با توجه به سنت فلسفی خاص آن اصطلاح، توضیح روشنی به دست دهد. بیشتر مدخل‌ها مفاهیمی را نشان می‌دهند که از کلی‌ترین و متداول‌ترین اصطلاحات در فلسفه‌های شرقی می‌باشند؛ مفاهیمی چون شناخت، خدا، علیت، زبان، وجود و غیره.

با وجود این، لیمن از برخی مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی غافل بوده و نامی از آن‌ها در کتابش به میان نیاورده است. از میان اصطلاحات و مفاهیمی که وی در این اثر، از آن‌ها سخنی نگفته است می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- اصطلاح mantras که از اهمیت بسیاری برای آئین‌های هندو و بودایی برخوردار است، در این اثر به چشم نمی‌آید در حالی که بهتر بود مدخلی جداگانه و مستقل در خصوص این اصطلاح و اهمیت آن در مراقبه‌های هندوئیسم و بودائیسم آورده می‌شد.

- Soka Gakkai از اصطلاحاتی است که اهمیت فراوانی برای بودیسم نیچی‌رن، از فرقه‌های بزرگ آئین بودایی در ژاپن، دارد. هر چند لیمن در کتابش، به روشنی از بودیسم نیچی‌رن (Nichiren Buddhism) سخن به میان می‌آورد اما اشاره‌ای به این اصطلاح نمی‌کند.

- در مدخلی که الیور لیمن به اصطلاح bardo اختصاص می‌دهد، هیچ سخنی درباره‌ی نقش bardo در باور به تناسخ در فلسفه و فرهنگ تبتی به میان نیاورده است.
- در توضیح اصطلاح Hinayana لیمن چنین می‌گوید: "در واقع، مکتب تراوادا (Theravada) یکی از مکاتب غیر ماهایانه به شمار می‌رود" و بیش از این توضیحی بیان نمی‌کند. اما بهتر بود توضیح بیشتری درباره‌ی تراوادا و تمایزش از Hinayana ارائه می‌نمود چرا که بسیاری، این دو اصطلاح را به جای یکدیگر به کار می‌برند و گاهی معنی و مفهوم آن دو را با یکدیگر خلط می‌کنند.
- در مدخلی که الیور لیمن به کیهان‌شناسی (cosmology) اختصاص داده است، هیچ سخنی درباره‌ی کیهان‌شناسی اسلامی به چشم نمی‌آید، هر چند در مدخل‌های دیگر، در خصوص فلسفه‌های اسلامی توضیحات مختصری ارائه نموده است.
- در مدخلی که در خصوص منطق (Logic) مطرح شده است هیچ مطلبی درباره‌ی منطقی جین (Jain logic) بیان نشده است هر چند این مکتب، از نظام منطقی متمایز و توسعه‌یافته‌ای برخوردار است.
- مدخلی که درباره‌ی tian ارائه شده، به بیان کاربرد این اصطلاح در آئین کنفوسیوس می‌پردازد اما درباره‌ی کاربرد آن در دائوئیسم سخنی به میان نمی‌آورد.
- در توضیح اصطلاح بنیادگرایی (fundamentalism) غزالی را در زمره‌ی کسانی دانسته که بنیادگرایی اسلامی را ترویج کرده (Leaman, 1999, 126) و تلاش می‌کردند تا قدرت اسلام را در جهان مدرن، بار دیگر عرضه کنند. اما هر چند غزالی بر دینداری به عنوان مؤلفه‌ای اساسی برای رشد فضیلت در جامعه تأکید می‌کند اما نمی‌توان او را با بنیادگرایان عصر حاضر در کشورهای اسلامی مقایسه نمود.
- در مدخل زبان (language)، توضیحات مختصری در خصوص آراء غزالی درباره‌ی معناداری و زبان دین بیان شده (ibid, 178) اما سخنی از دیدگاه‌های دیگر حکمای مسلمان بویژه فارابی و ابن‌سینا به میان نیامده است.
- مدخل ایمان (faith) بیشتر به جایگاه این اصطلاح در بودیسم و اسلام اختصاص دارد و نیز به نزاع میان عقل و ایمان در فلسفه‌ی اسلامی توجه می‌کند. اولاً بهتر بود که به جای پرداختن به بحث عقل و ایمان، خود مفهوم ایمان و جایگاه آن در فلسفه‌ی اسلامی و نیز دیگر فلسفه‌های شرقی، شفاف‌تر بیان می‌شد. ثانیاً در

بیان ارتباط عقل و ایمان در فلسفه‌ی اسلامی، تنها به دیدگاه ابن رشد توجه شده است در حالی که رویکردهای مختلفی در این بحث را می‌توان در تاریخ فلسفه و کلام اسلامی ملاحظه نمود.

- الیور لیمن در توضیح برخی مفاهیم و مباحث مطرح در فلسفه‌ی اسلامی، به انتقادات فلسفی و کلامی مطرح شده نیز توجه می‌کند اما در برخی دیگر نه. به عنوان نمونه، در توضیح اصطلاح عقل فعال (active intellect) به انتقادات هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ای که به عقل فعال وارد شده اشاره‌ای نمی‌کند. هم‌چنین توضیح نمی‌دهد که این فیلسوفان مسلمان به درونی بودن عقل فعال باور دارند یا به بیرونی بودن آن. بیان این توضیحات به دلیل اهمیت هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ی این اصطلاح در فلسفه‌ی اسلامی می‌باشد.

- در انتهای مدخل وجود/هستی (being)، به اختصار، دیدگاه فلسفه‌ی اسلامی درباره‌ی وجود بیان شده است (ibid, 38). اما اولاً در این بخش، از تفاوت میان being و existence در فلسفه‌ی اسلامی سخن به میان آمده که به نظر می‌رسد تفاوت میان این دو اصطلاح را باید در فلسفه‌ی غرب، بویژه متافیزیک تحلیلی قرن بیستم دنبال نمود نه در فلسفه‌ی اسلامی. ثانیاً به دیدگاه ملاصدرا در خصوص اتحاد وجود و ماهیت در خارج و تمایز ذهنی آن اشاره شده و البته برای ماهیت، هم از اصطلاح meaning استفاده شده است و هم از اصطلاح essence.

- علاوه بر آنچه درباره‌ی وجود گفته شد، اساساً بهتر بود مدخلی جداگانه به توضیح مفهوم ماهیت، که از کلیدی‌ترین مفاهیم فلسفه‌ی اسلامی است، اختصاص داده می‌شد.

- در مدخل اخلاق (ethic) به تفصیل درباره‌ی این مفهوم در برخی آئین‌های شرقی سخن به میان آمده اما از جایگاه اخلاق در فلسفه‌ی اسلامی، تنها در انتهای این مدخل، اندکی توضیح داده شده است. اولاً مباحث فلسفه‌ی اخلاق بویژه اخلاق فضیلت، جایگاه خاصی در اخلاق اسلامی دارد و از این رو بهتر بود با توضیحات بیشتری، نوآوری‌های فیلسوفان مسلمان در فلسفه‌ی اخلاق بیان می‌شد. ثانیاً در این بخش، تنها به بحث عینی بودن یا ذهنی بودن اخلاق در فلسفه‌ی اسلامی اشاره شده که ناظر به همان نزاع دیرین حسن و قبح شرعی و عقلی می‌باشد.

- از سهروردی تنها در بحث وجود، سخن به میان آمده اما در دیگر مدخل‌هایی که در آن‌ها به آراء فیلسوفان مسلمان نیز توجه شده است، هیچ اشاره‌ای به سهروردی و دیدگاه‌های وی نشده است.
- در توضیح مفهوم زمان (time) در فلسفه‌ی اسلامی، هیچ اشاره‌ای به دیدگاه ملاصدرا در خصوص زمان و جایگان کلیدی آن در هستی‌شناسی نشده بلکه صرفاً به نقش آن در مباحث مربوط به خلقت اشاره شده، در حالی که تبیین ملاصدرا از زمان را می‌توان یکی از نوآوری‌های مهم در تاریخ فلسفه‌ی اسلامی قلمداد نمود.
- جایگاه بحث کلیات (universals) در معرفت‌شناسی فیلسوفان مسلمان نیز از مواردی است که لیمن در کتابش توجهی بدان نداشته است. در مدخل مربوط به کلیات، مطالبی در خصوص این مفهوم در فلسفه‌های هندو و بودا ذکر شده اما هیچ اشاره‌ای به این مفهوم در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی نشده است. همچنین ارتباط بحث کلیات با وجود ذهنی نیز که از اهمیت بسیاری در فلسفه اسلامی برخوردار است، در این کتاب، مورد توجه قرار نگرفته است.
- اساساً وجود ذهنی، یکی از مهمترین و کلیدی‌ترین مفاهیم در فلسفه‌ی اسلامی است اما لیمن در این کتاب، هیچ اشاره‌ای بدان نکرده هر چند درباره‌ی ذهن و ارتباط آن با نفس (soul) در فلسفه‌ی اسلامی توضیحاتی ارائه شده است (Ibid, 207). بهتر بود که مدخل جداگانه‌ای درباره‌ی وجود ذهنی و نحوه‌ی واقعیت آن، در نظر گرفته می‌شد و در آن‌جا با تفصیل بیشتری، تفاوت میان ذهن و نفس و روح در فلسفه‌های شرقی توضیح داده می‌شد.
- در مدخل شناخت/معرفت/علم (knowledge)، انواع شناخت در فلسفه‌ی اسلامی، به دو صورت شناخت یا علم فلسفی و شناخت یا علم نبوی معرفی شده است. هرچند این تقسیم‌بندی در آثار فیلسوفان مسلمان به چشم می‌آید اما تقسیم‌بندی مهم‌تری که در بحث علم و شناخت مطرح است، تقسیم علم به حضوری و حصولی است که از کلیدی‌ترین مفاهیم معرفت‌شناختی در فلسفه‌ی اسلامی است. لیمن در کتاب خود، تنها به علم حصولی اشاره کرده و از آن با عنوان معرفت یا علم فلسفی نام برده اما هیچ اشاره‌ای به علم یا معرفت حضوری و اهمیت آن در فلسفه‌ی اسلامی نداشته است.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش‌ها و آثار الیور لیمن، استاد برجسته‌ی دانشگاه کنتاکی، در حوزه‌ی فلسفه‌های شرقی، در زمره‌ی آثار ارزشمندی است که از مستشرقان به چاپ رسیده است. در این جستار به یکی از مهم‌ترین آثار وی در حوزه‌ی شرق‌شناسی توجه نمودیم، اثری که با عنوان مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی، توسط انتشارات راتلج منتشر شده است. الیور لیمن در این اثر، تلاش کرده تا مهمترین اصطلاحات و مفاهیمی که در فلسفه‌های شرقی، از فلسفه‌های هند و چین و ژاپن گرفته تا فلسفه‌ی اسلامی، رواج داشته و دارند را با توضیحی اجمالی، در قالبی دائره‌المعارف‌گونه جمع‌آوری نماید. علی‌رغم دقت نظر وی در گردآوری این مفاهیم، این اثر کاستی‌های روشنی و محتوایی چندی نیز دارد که در متن جستار حاضر، به آنها اشاره گردید. از مهمترین کاستی‌های محتوایی کتاب لیمن، عدم توجه به برخی از اصطلاحات کلیدی‌تر در فلسفه‌ی اسلامی است، اصطلاحاتی چون ماهیت، وجود ذهنی و اقسام علیت و جایگاه آنها در فلسفه‌ی اسلامی. لیمن در حوزه‌ی فلسفه‌های شرقی غیراسلامی نیز از بیان برخی اصطلاحات کلیدی یا غفلت نموده و یا مفهوم و جایگاه آنها در این فلسفه‌ها را به خوبی روشن نساخته است. با وجود این، تردیدی نیست که کتاب "مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی"، می‌تواند به عنوان منبعی قابل ارجاع برای پژوهش‌هایی باشد که در حوزه‌ی فلسفه‌های شرقی و نیز فلسفه‌ی تطبیقی صورت می‌گیرند. البته خود این اثر را به آسانی نمی‌توان پژوهشی تطبیقی در فلسفه دانست بلکه باید آن را بیش‌تر، به عنوان دائره‌المعارفی تلقی نمود که اطلاعاتی مختصر و البته ضروری را در خصوص مفاهیم کلیدی در فلسفه‌های شرقی ارائه می‌نماید. در پایان، به نظر نگارنده، انتشار چنین اثری با توجه به اندک نکات زیر، دقت، جامعیت و جذابیت آن را بیش‌تر نشان خواهد داد:

- استفاده از طرح جلدی مناسب برای مفهوم فلسفه‌ی شرقی، بگونه‌ای که مخاطب انگلیسی‌زبان را هم به خواندن آن جذب کند و هم به تأمل درباره‌ی فلسفه‌ی شرقی سوق دهد.
- انتشار چنین اثری در چندین جلد، بگونه‌ای که هر جلد به فلسفه‌ی خاصی از فلسفه‌های شرقی اختصاص یابد.

- برای نوشتن مفاهیم خاص هر یک از فلسفه‌های شرقی، از صاحب‌نظرانی استفاده شود که خود، سال‌ها در متن فرهنگی و جغرافیایی آن فلسفه زیست نموده‌اند.
 - توجه بیش‌تر به روش‌شناسی فلسفه‌های شرقی، بگونه‌ای که خواننده‌ی انگلیسی‌زبان، به فهم دقیق‌تری از اصطلاحات فلسفه‌های شرقی دست پیدا کند.
 - بیان جایگاه مفاهیم و اصطلاحات فلسفه‌های شرقی هم در دوران نضج و شکل‌گیری آن‌ها و هم در عصر حاضر.
- در پایان، لازم به تذکر است که در این جستار، ارزیابی محتوایی مفاهیم و اصطلاحات، تمام مدخل‌های کتاب لیمن را شامل نشده چرا که چنین امری از عهده‌ی جستار حاضر بیرون است و مقالات نقادانه‌ی متعددی در این خصوص را می‌طلبد.

پی‌نوشت‌ها

1. Leaman Oliver, 1999, *Key Concepts in Eastern Philosophy*, Routledge.
ترجمه این اثر به زبان فارسی، توسط شیرین سادات بطحایی، در سال ۱۳۹۹ از سوی انتشارات علم منتشر شده است.
۲. از دیگر مجموعه‌هایی که انتشارات راتلج با عنوان "Key Concepts" منتشر کرده است می‌توان به این آثار اشاره نمود:
Key Concepts in Cinema Studies. Key Concepts in Popular Music. Key Concepts in Cultural Theory. Key Concepts in Language and Linguistics. Key Concepts in the Philosophy of Education.
۳. نصر، سیدحسین و لیمن، الیور، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جمعی از استادان فلسفه، تهران: انتشارات حکمت، جلد اول ۱۳۸۳، جلد‌های دوم و سوم ۱۳۸۶، جلد‌های چهارم و پنجم ۱۳۸۸.

کتابنامه

- Ayatollahy, Hamidreza, Remarks on Comparative Philosophy: Islamic and Western Philosophies, in "The Iranian Journal of Philosophy", Vol. 36, No. 3, Autumn 2008, Pages 91-102.
- Holder, J, John: *The Purpose and Perils of Comparative Philosophy*, in The SACP Forum For Asian and Comparative Philosophy, Volume 23, Number 46, Spring 2006, Pages 35-51.
- Kurtz, Joachim (2011). *The discovery of Chinese logic*, Leiden, Boston, Brill.
- Langer, William Leonard (1968). *An encyclopedia of world history: ancient, medieval and modern, chronologically arranged*, London, Harrap.
- Leaman Oliver (1999). *Key Concepts in Eastern Philosophy*, Routledge.
- Leaman Oliver & Nasr Seyyed Hosein (1996). *History of Islamic Philosophy*, Routledge.
- Rein, Raud, 2006, "Philosophies versus Philosophy: In Defense of a Flexible Definition", *Philosophy East & West* 56 (4) 618–625.
- Sheeton, Thomas (2010). *Heidegger: The Man and the Thinker*, Piscataway, New Jersey.
- Steven Burik (2009). *The end of comparative philosophy and the task of comparative thinking: Heidegger, Derrida, and Daoism*, State University of New York.
- Peimin Ni: *Traversing the Territory of Comparative Philosophy*, in The SACP Forum For Asian and Comparative Philosophy, Volume 23, Number 46, Spring 2006, Pages 17-34.
- Quain, Willard Van Orman (1960). *Word and Object*, The Massachusetts Institute of Technology.